

عنوان مقاله:

تأثیر شیوه آموزش معماری دانشگاه های تهران و شهید بهشتی بر سبک آثار معماری (سال های ۱۳۴۰-۱۳۷۰)

محل انتشار:

دوماهنامه نخبگان علوم و مهندسی، دوره 6، شماره 3 (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 13

نویسندگان:

آلاله سامیر - نویسنده مسئول

حسین کریم آبادی - نویسنده دوم

احمد میرزا کوچک خوشنویس - نویسنده سوم

خلاصه مقاله:

شیوه آموزش متداول بر دانشکده های معماری ایران در دهه ۴۰ متأثر از بوزار است که به سمت مکتب باهاوس، رو به تغییر نهاده و تا اواخر دهه ۵۰ ادامه می یابد. اواخر این دهه نیز مواجهه با انقلاب فرهنگی و سپس وقوع جنگ تحمیلی منجر به تعطیلی دانشگاه ها می گردند. این امر، موجب دور ماندن و کناره گیری دانشجویان و اساتید از محیط آموزشی و همچنین مباحث روز مرتبط با آن ها می شود که به نوبه خود، سهم بسزایی در سردرگمی اساتید در تدریس، پس از دوره بازگشایی دانشگاه ها دارد. از آنجایی که شیوه آموزش مناسب، نقش بسزایی در روند خلق آثار موفق در معماری دارد، توجه به آن ضرورت می یابد؛ همچنین به دلیل اصلاحات و تغییرات شکل گرفته در سیستم آموزش معماری در دهه های ۴۰ تا ۷۰ که نتیجه پیروی از رویکردها و مکاتب گوناگون آموزش است، اهمیت این دوران در شیوه های آموزشی و قیاس نتایج حاصل از آن ها محرز می گردد. این پژوهش، با هدف دستیابی به ارتباط میان تأثیرگذاری شیوه آموزش بر آثار معماری و به دنبال آن، جریانات معماری برآمده از آن ها، با استفاده از روش تحقیق تاریخی و بهره گیری از استدلال قیاسی و استنتاجی انجام گرفته است. نتایج به دست آمده نشان می دهند که آموزش معماری برگرفته از مکتب بوزار، به آثاری با معماری نئوکلاسیک و مدرن غربی منجر شده و شیوه آموزش متأثر از مکتب باهاوس، جریانات معماری را به سوی سبک بین الملل و مدرن متاخر سوق داده است. حال آن که پس از سال ۵۸ و با وقوع انقلاب اسلامی در پی جست و جوی هویت، معماری پست مدرن و بومی اهمیت می یابد.

کلمات کلیدی:

آموزش معماری، مکتب بوزار، مکتب باهاوس، معماری هویت گرا، معماری بوم گرا.

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1552634>

